

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۷ جون ۲۰۱۹

طبقه کارگر و تشدید تشنج در خلیج فارس

این روز ها تیتر خبر اکثر خبرگزاری ها چه داخلی و چه خارجی به موضوع تنش در روابط ایالات متحده امریکا و جمهوری اسلامی اختصاص یافته است و سخن از چشم انداز این روند و احتمال شروع درگیری و شعله ور شدن آتش یک جنگ ضد خلقی در خلیج فارس می رود. این امر به طور طبیعی نگرانی کارگران و ستمدیدگان کشور را که در حال حاضر نیز تحت سلطه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در یک شرایط جهنمی به سر می برند، دو چندان نموده است. اگر تا دیروز کارگران دل مشغول دریافت دستمزدهای معوقه خود و امنیت شغلی شان برای بردن لقمه نانی به خانه بودند؛ امروز مشغله ذهنی جدیدی هم بر مشغله های قبلی افزوده شده است. آنها به آشکاری دل نگران سیر این تشنج ها و امکان شعله ور شدن جنگی جدید می باشند که بخوبی می دانند اگر چنین احتمالی واقعیت یابد، آتش آن قبل از همه دامن آنها را خواهد گرفت. کارگران و توده های ستمدیده ایران این تجربه را دارند که با خروج امریکا از برجام و شروع مجدد تحریم های ایالات متحده، این سرمایه داران و آقازاده ها نبودند که رنج این تحریم ها را بر دوش کشیدند، بلکه قبل از هر کس این کارگران و ستمدیدگان این مرز و بوم بودند و هستند که بار این تحریم ها بر دوش شان سر شکن شده است.

در پاسخ به دل نگرانی های اخیر در رابطه با احتمال شروع یک جنگ ضد انقلابی در ایران، باید قبل از هر چیز توجه ها را به این واقعیت جلب کرد که هر آن چه در تبلیغات رسانه های ضد خلقی عنوان می شوند، عین واقعیت نمی باشند و در نتیجه نباید اسیر تبلیغات فریبکارانه امپریالیسم امریکا و جمهوری اسلامی در این مورد شد. اگر فضای مملو از دروغ و نیرنگ تبلیغات فریبکارانه را کنار زده و بخواهیم واقعیت ها را ببینیم و آنها را دستمایه درک خود برای فهم سیر محتمل رویداد ها قرار دهیم باید اکیداً این امر را همواره در مد نظر داشته باشیم که جمهوری اسلامی رژیمی وابسته به امپریالیسم می باشد، رژیمی که در کنفرانس گوادلوپ با شرکت رهبران امریکا، انگلستان، فرانسه و المان برای جانشینی رژیم شاه و سرکوب انقلاب توده ها در آن سال ها توسط آنها، به عنوان جایگزین آن رژیم برگزیده شد. بنابراین بند ناف این رژیم در تنیدگی با قدرت های امپریالیستی و جهت کمک به آنها بریده شده است. این رژیم از همان روز روی کار آمدنش تاکنون، یعنی در چهل سال گذشته کاملاً در جهت تأمین منافع امپریالیست ها عمل کرده و روزی نبوده است که جهت تأمین منافع اربابان خود جنایتی نکرده و دسیسه ای نچیده باشد. در همین راستا سیاست خارجی این رژیم هم درست در جهت منافع قدرت های امپریالیستی تعیین گشته است. بنابراین اگر بخواهیم عامل اصلی تشنج و بی ثباتی را در این منطقه بشناسیم، قبل از هر چیز باید امپریالیست ها را عامل این وضع دانست که سیاست های خود را از

طریق مزدوران خودشان از جمله جمهوری اسلامی پیش می‌برند. اگر ما این واقعیت را درک و مبنای تحلیل از شرایط متشنج کنونی قرار دهیم، آنگاه بروشنی خواهیم فهمید که آن چه جمهوری اسلامی در چهل سال گذشته در ایران و خاورمیانه کرده، درست به منظور تأمین منافع امپریالیست‌ها و برای تسهیل پیشبرد سیاست‌های ضد مردمی آنها بوده است. برای نمونه خرج میلیارد‌ها دالر از بودجهٔ مملکت برای کمک به حزب الله لبنان و دولت سوریه و تشکیل گروه‌های نیابتی در عراق و افغانستان و یمن از جمله اقداماتی است که اساساً به نفع سیاست‌های جنگ طلبانه و بحران سازی‌های امپریالیست‌ها در منطقه بوده و در نتیجه نه تنها هیچ سودی به اقتصاد بحران زدهٔ این کشور نرسانده و کمکی به حل صدها معضل موجود نکرده و نمی‌کند، بلکه وضع اقتصادی را از آن چه بود نیز بدتر کرده است. به خصوص در شرایطی که به دلیل بحران موجود در اقتصاد کشور کارخانجات دسته دسته تعطیل و کارگران فوج فوج اخراج می‌شوند، باعث وخیم‌تر شدن وضع زندگی کارگران گشته است.

تجربهٔ چهل سال سلطهٔ دیکتاتوری جمهوری اسلامی و حمایت‌های همه جانبهٔ امپریالیست‌ها و امپریالیسم آمریکا برای کارگران ما، شکی در این واقعیت بر جای نگذاشته که آن چه جمهوری اسلامی تحت عنوان "شیطان بزرگ" تبلیغ می‌کند، عملاً "فرشتهٔ رحمت" این دارو دستهٔ جنایتکار می‌باشد. کارگران در تجربهٔ زندگی خود بخوبی دریافته‌اند که این دارو دسته برای حفظ مصالح اربابان خود به هر ماجراجویی تن داده و به قیمت جان و زندگی ستمدیدگان این فلات خونین، سیاست اربابان‌شان را پیش می‌برند. کارگران به عینه می‌بینند که چگونه جمهوری اسلامی میلیارد‌ها دالر سرمایه این مملکت را در افغانستان و سوریه و لبنان و عراق خرج کرده تا اربابانش امکان یابند جیب هایشان را پرتر ساخته و سیاست هایشان را پیش ببرند. کارگران ما به عینه می‌بینند که یکی از عوامل اصلی بی‌حقوقی کارگران ایران پیشبرد سیاست‌های اقتصادی بزرگترین نهادها و قدرت‌های امپریالیستی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول توسط جمهوری اسلامی بوده که باعث آن شده تا با تصویب قوانین وحشیانهٔ ضد کارگری، سرمایه‌داران امکان یابند چنان تعرضی را به معیشت کارگران ایران سازمان دهند که در تاریخ زندگی‌شان بی‌سابقه بوده است.

رژیم جمهوری اسلامی در ایران نمایندهٔ یک بورژوازی مستقل از امپریالیست‌ها نمی‌باشد. اتفاقاً به این واقعیت، کارگران و مردم ستمدیدهٔ ما در چهل سال گذشته بر مبنای تجربهٔ زندگی خود -خلاف روشنفکران کوتاه بینی که بر اساس باور به تبلیغات دروغین و گمراه‌کنندهٔ رسانه‌های امپریالیستی تحلیل ارائه می‌دهند- پی برده‌اند. آنها به رغم همه شعارهای فریبکارانه همواره در عمل شاهد تنیدگی روابط جمهوری اسلامی با امپریالیست‌ها بوده‌اند و حتی گاه این تنیدگی را با این مثال مردمی توضیح داده‌اند که اگر ریش هر آخوندی را بالا بزنی زیرش نوشته شده ساخت آمریکا!!

بیشک نگرانی امروز کارگران و زحمتکش‌شان ما در مورد سایهٔ جنگ بر فراز منطقه و این که باز آمریکا و جمهوری اسلامی چه خوابی برای آنها دیده‌اند، بجاست. اما آنها باید درک وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیست‌ها و شناخت امپریالیست‌ها به مثابهٔ عامل اصلی بی‌ثباتی منطقه را به زمینه‌ای برای ارتقای آگاهی خود بدل سازند و بدانند که بدون نابودی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و قطع قطعی هر گونه سلطهٔ امپریالیستی در ایران، کارگران و ستمدیدگان به رهائی دست نخواهند یافت. لذا توده‌های تحت ستم ما و در رأس آنها طبقهٔ کارگر رزمنده ایران باید جهت اصلی مبارزهٔ خود را به سمت نابودی سلطهٔ امپریالیسم در ایران و سگ زنجیری اش جمهوری اسلامی قرار دهند.

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریک‌های فدائی خلق ایران- شماره ۶۵، پانزدهم خرداد [جوزا]
ماه ۱۳۹۸